

گسترش نسبی گروه‌ها و فرقه‌های نوپدید مذهبی با گرایش‌های مذهبی غیربومی در جامعه‌ی ما پدیده‌ای متاخر هستند که شاید پیش از هر چیز، متأثر از گسترش ارتباطات و فرآیند «جهانی‌شدن» باشند. در این نوشته به بررسی گروه مذهبی «هنر زندگی متعالی» پرداخته‌ایم که در تهرانی فعالیت دارند و دارای گرایش‌های عرفانی با منشاء هندی هستند.

موضوع بررسی، گروهی مذهبی به نام «هنر زندگی متعالی» است که بیش از دو سال است که در تهران فعالیت دارد و دارای گرایش‌های مذهبی غیربومی است. اما از آنجایی که آموزه‌های این گروه، متناسب با جامعه‌ی ما ارایه می‌شود، کم‌تر در تضاد با «مذهب رسمی» قرار می‌گیرد. (این‌که به جای اصطلاح «فرقه» از اصطلاح «گروه» استفاده شده به این علت است که در این مورد هویت مشترک همستگی و اخوتی که در میان اعضای فرقه وجود دارد مشاهده نمی‌شود و ثانیاً خود اعضا هم هویت فرقه‌ای برای خودشان قایل نیستند) پرسش ما در بررسی این گروه مذهبی اولاً سؤال از ماهیت پدیدار شناختی این گروه مذهبی است که پاسخ این پرسش پایه‌ی کار برای سؤال بعدی ما می‌شود که مطالعه‌ی این گروه در چهارچوبی کارکردی است، یعنی این‌که این گروه به چه نیاز یا نیازهایی در جامعه پاسخ می‌دهد و علت اقبال به آن چیست؟ و چگونه می‌توان آن را مرتبط و هم‌پسته با پدیده‌های اجتماعی دیگر قرار داد.

برای این بررسی، از روش‌های مرسوم انسان‌شناختی یعنی مشاهده، مشاهده مشارکتی و گفت‌وگو (مصاحبه) بهره گرفته شده است. در این راستا سعی شده است که با مشارکت فعالانه در فعالیت‌های این گروه اطلاعات سودمندی به دست آید.

این مشارکت زمینه‌ی گفت‌وگوهای فراهم کرده که به‌طور پراکنده صورت گرفته‌اند و بخشی از اطلاعات از آن‌ها استخراج شده است. گفت‌وگوها به صورت پراکنده و غیررسمی، ولی در عین حال هدف‌دار صورت گرفته‌اند و این به‌خاطر اقتضای شرایط بوده است که مصاحبه‌های رسمی را ممکن نمی‌کرده است و اصولاً نیازی هم به چنین کاری نبوده. سخنرانی‌های ارایه شده در جلسات هم منبع اصلی استخراج اعتقادات و آموزه‌ها بوده است و در کنار این سعی شده است بعضی از مدارک کتابی گروه (پرستشنامه‌ی مخصوص هنرجویان و کارت‌های ویزیت) مورد تحلیل و استفاده قرار گیرند و اطلاعاتی از آن‌ها کسب شود. بالاخره از بعضی تعدادهای عینی مورد استفاده گروه، مثل نرم‌افزارات گروه و بعضی از دکوراسیون‌های محل تجمع استفاده شده است.

علاوه بر اطلاعات غیرمنجم و پراکنده‌ی قبلی از این گروه، تحقیق منجم و جدی در

عرفان‌گرایی نوین

در

جامعه‌ی ایرانی

محمد رضا افشین‌رخ

مدت حدود ۴ - ۳ ماه صورت گرفته که همان‌طور که قید شد شامل شرکت در جلسات و فعالیت‌های پراکنده گروه بوده است.

گزارش تحقیق در دو قسمت «رهیافت از درون» و «رهیافت از بیرون» عرضه می‌شود. در بخش نخست به ساخت ظاهری گروه و تشکیلات آن و نیز به این گروه به‌عنوان پدیده‌ای مذهبی می‌پردازیم. بخش دوم را در ارتباط با جامعه بررسی می‌کنیم.

رهیافت از درون

در این بخش ما این گروه مذهبی را به صورت «در خود» بررسی می‌کنیم. یعنی بدون توجه به متن اجتماعی و به‌عنوان یک پدیده آن‌گونه که مستقیماً نمایان می‌شود، به آن می‌پردازیم. برای این کار این گروه را از دو جنبه بررسی می‌کنیم. اول به ساخت ظاهری گروه و روابط درونی آن می‌پردازیم تا مجموعه‌ی تشکیلات این گروه را ترسیم کنیم. از دیگر سو به بررسی این گروه به‌عنوان یک پدیده‌ی مذهبی خواهیم پرداخت و سعی می‌کنیم که عناصر یک پدیده‌ی دینی را در این گروه باز یافته و تفسیر ویژه‌ی مذهبی این گروه را با روشی پدیدارشناختی توصیف کنیم، و در این قسمت عناصری چون آموزه‌ها، مناسک و امور موقدانه قرار خواهیم داد.

الف. ساخت ظاهری و روابط درون گروه
این گروه تشکیلاتی نسبتاً منظم دارد که در درون آن روابطی را ایجاد کرده است. افراد دسته‌های متفاوتی را تشکیل می‌دهند که هر یک نقش خاصی دارند. گروه فعالیت‌های مختلفی را شکل می‌دهد که در حول هدف اصلی گروه، قرار دارد. از دیگر سو، جلسات گروه و عضوگیری به روشی ویژه صورت می‌گیرد که این‌ها همگی ساختار گروه را به‌عنوان مجموعه‌ای از نقش‌ها و کارکردها و ضوابط شکل می‌دهد.

۱. دسته‌بندی افراد: در یک دید کلی افراد حاضر در این گروه به سه دسته «یا طقه» قابل تفکیک هستند: مراجعین یا اعضای عام، فعالان و شخص «استاد».

شخص «استاد» ممتازترین موقعیت را در گروه دارد. در واقع، تشکیلات حول محور او شکل گرفته است. «استاد» مردی با سن نسبتاً کم (حدود ۲۳ سال) است که آموزه‌ها نیز تنها توسط او و در سخنرانی‌ها ارایه می‌شود. با این‌که ظاهراً او در سازماندهی تشکیلات نقشی ندارد ولی رهبری عقیدتی گروه به عهده‌ی اوست. بقیه‌ی افراد گروه به لحاظ منزلتی با

فاصله‌ی زیادی از وی قرار می‌گیرند. در واقع، همین فاصله‌ی زیاد است که باعث می‌شود «استاد» به امور جاری و برنامه‌های تشکیلاتی گروه کاری نداشته باشد و هم‌چون کسی که وقف تعالیم الهی است، نمایان شده و تنها به ابلاغ «پیام الهی» بپردازد و به امور دنیوی‌تر تشکیلات بی‌تفاوت باشد. با این‌که نام «استاد» (خ.ف) معرفی شده است ولی همیشه با لفظ «استاد» از او یاد کرده و او را خطاب می‌کنند.

افراد فعال، افرادی هستند (حدود ۲۰ - ۱۵ نفر) که امور داخلی تشکیلات را تنظیم و در واقع پیکره‌ی تشکیلات را ایجاد می‌کنند. این افراد در درون خود همگی از نقش منزلت یکسانی برخوردار نیستند. در واقع یک‌نفر وجود دارد (آقای «ر»، حدود ۳۵ ساله) که هدایت تشکیلات بر عهده‌ی اوست و نقش درجه اولی در گروه دارد. وی ارتباط نزدیکی با «استاد» دارد و تمام تشکیلات به رهبری او هدایت می‌شود. غیر از ابلاغ «پیام الهی» که توسط «استاد» صورت می‌گیرد، مرجع بقیه‌ی امور آقای «ر» است. افراد دیگر به ترتیب در فعالیت‌های دیگر گروه شرکت می‌کنند. بعضی در هدایت تشکیلات نقش مهم‌تری دارند و بعضی نقش فرعی‌تر، و بعضی تنها برای این که تمایل به فعالیت داشته‌اند «سرکاری گذاشته شده‌اند». غالب افراد این دسته را جوانان (زن و مرد) ۲۰ - ۳۰ ساله تشکیل می‌دهند که اکثراً مجرد نیز هستند.

دسته‌ی سوم مراجعین یا حضار عام هستند که در جلسات حاضر می‌شوند و به سخنرانی‌ها گوش می‌دهند و به سؤال و جواب با «استاد» می‌پردازند. تعداد آن‌ها حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر است که در گروه‌بندی‌های مختلف قرار گرفته‌اند و به ترتیب گروه‌بندی‌ها، در جلسات شرکت می‌کنند. بعضی از این مراجعین در فعالیت‌های دیگر گروه مثل کوهنوردی - که جنبه‌ی تفریحی دارد - هم شرکت می‌کنند. به هر حال، همه‌ی مراجعین همیشه در جلسات حاضر نیستند و ممکن است افرادی، مدت‌ها در جلسات حاضر نشوند. از ابتدای شروع جلسات تعدادی از افراد بوده‌اند که به‌طور ثابت و کما بیش پیوسته جلسات را دنبال کرده‌اند و عده‌ی بسیاری هم برده‌اند که کم‌کم پس‌گیری جلسات را در دست گرفته‌اند. در هر صورت، مسؤلیتی متوجه این مراجعان نیست ولی این‌طور تلقی می‌شود که حضور پیوسته‌ی افراد باعث ارتقای سطح آموزش‌های داده شده به فرد و ترقی منزلتی در



علل گرایش به این گروه

در

مذهبی

با چند نیاز مختلف قرار دارد

نیازهایی

که می‌توانند

از مجاری دیگری نیز

پاسخ بگیرند

آموزه‌هایی مثل مسأله‌ی رستگاری و فلسفه‌ی تاریخ، در چهارچوبی مبتنی بر پدیدارشناسی دین - مطابق با تعبیر ژوکوبلیکر - پردازیم، که منظور از آن پرداختن به پدیده‌ی دینی با به‌کارگیری دو اصل از پدیدارشناسی هوسرل، یعنی «تعلیق» و «شهود ذات»، به‌صورتی مجازی است. منظور از به‌کارگیری این اصول به‌طور مجازی این است که آن‌ها را بدون پیامدهای فلسفی‌شان و فقط به‌طور ظاهری به‌کار ببرند. در این رویکرد به‌طور خلاصه منظور از «تعلیق»، تعلیق حکم و داوری و عدم پرداختن به مسأله صدق دین است و «شهود ذات» به معنی پرداختن به ذات و ماهیت پدیده‌های دینی به‌عنوان پدیده‌ی دینی (و نه مثلاً به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی یا فرهنگی). به‌نظر می‌رسد که این سطح از بررسی و شناخت، برای سطوح دیگر تحلیل موضوعات مذهبی، لازم و ضروری باشد.

این گروه مذهبی تحت تعالیمی قرار دارد که دارای منشاء هندی هستند. با این‌که از اصطلاحات هندی به‌طور گسترده استفاده نمی‌شود ولی توجه و تأکید بر کتب مذاهب هندی و کیفیت تعالیم که مبتنی بر عشق الهی و توجه به حضور خدا و رهبری استاد و یکسانی و شواهد دیگر است منشاء این گروه را مشخص می‌کند.

مذاهب هند و یا ساتانادارما Santana/dharma در واقع مجموعه‌ای از کیش‌های متفاوت، از کیش‌های بی‌خدا تا کیش‌های چند خدا (در سطح عامیانه) را شامل می‌شود که البته این خدایان در سطح روشنفکری، همه مظاهر خدای واحد تلقی می‌شوند. این مذاهب به‌طور سنتی سه طریقه‌ی رستگاری را مطرح می‌کنند. ۱. طریقه‌ی اعمال: یعنی انجام مراسم و عبادات، ۲. طریقه‌ی علم: که با این طریقه جهل که منشاء تمامی شرور است نابود می‌شود. ۳. طریقه‌ی اخلاص یا بکتی: که به معنی ایمان خالصانه به خداوند است. طریقه‌ی بکتی یا مشارکت در ارتباط با خدا و اخلاص راهی است که اکثر پیروان ساتانادارما دنبال می‌کنند. امروزه جنبش‌های سایی بابا Sai Baba در هند که به نقاط دیگر دنیا هم کشیده شده است، را می‌توان نماینده‌ی برجسته‌ی این گرایش دانست. قابل ذکر است که شخص سایی بابا خود را به‌عنوان یک آواتار (تجلی خدا) معرفی می‌کند. «استاد» هم از وی با احترام یاد می‌کند، و یکی از دو کتاب منتشرشده‌ی گروه، مجموعه‌ی سخنان وی است (کتاب تراش‌های الماسی خداوند). در ادامه به بعضی از خصوصیات ویژه این گروه مذهبی می‌پردازیم.

۱. استاد محوری: همان‌طور ذکر شد، تعالیم و تشکیلات این گروه در حول محور «استاد» قرار دارند. اساساً بسیاری از مذاهب که دارای منشاء هندی هستند و در دنیا رواج دارند که به سون «استاد» شکل گرفته‌اند، در این گروه ریشه

پرسش‌نامه‌ای به هنرجویان ارائه شده تا آن را تکمیل کنند و در آن انواع توانایی‌ها و علایق فرد را مورد سؤال قرار می‌دهند، ظاهراً یکی از اهداف این پرسشنامه این بود که قابلیت افراد را برای کارهای مختلف سنجیده‌شده تا در صورت تمایل تشکیلات، از وجودش استفاده کند. در ضمن جلسات هم، افراد را دعوت به همکاری در زمینه‌های مختلف (آموزشی، ترجمه، فعالیت‌های اقتصادی، ارتباطات و...) می‌کنند.

۳. نحوه‌ی تشکیل جلسات و عضوگیری: جلسات ابتدا در فرهنگ‌سراها و سالن‌ها تشکیل می‌شد. ولی اکنون بیش از یک‌سال است که در یک آپارتمان تجاری در یک خیابان اصلی، تشکیل جلسه داده می‌شود. نحوه‌ی اطلاع از تشکیل جلسه و ساعت آن با تلفن صورت می‌گیرد. قبلاً به تک‌تک افراد تلفن می‌کردند، ولی اکنون چند تلفن اعلام شده، و از افراد خواسته شده که پنج‌شنبه‌ها با این تلفن‌ها تماس بگیرند. افراد در گروه‌های مختلفی دسته‌بندی شده‌اند A, B, C و هر گروه در یک ساعت به‌خصوص حاضر می‌شوند. ظاهراً پرسش‌نامه‌ای که افراد پر کرده‌اند، در تعیین گروه آن‌ها و دادن آموزش مقتضی نقش دارد، ولی به‌نظر نمی‌رسد که سطوح خاصی از آموزش وجود داشته باشد و همه‌ی جلسات به یک کیفیت برگزار می‌شوند. برای پیوستن به این گروه و استفاده از جلسات، فردی که معرفی می‌شود باید با تلفن تماس بگیرد و بعد از این‌که با او صحبت کردند و وضعیت او را سنجیدند او را در یک گروه قرار می‌دهند و ساعت اولین جلسه را به اطلاع‌اش می‌رسانند. معرفی افراد یا به‌طور شفاهی است و یا از طریق کارت ویزیت‌های تشکیلات است که از طریق اعضای گروه به افراد علاقه‌مند داده می‌شود.

ب. گروه هم‌چون پدیده‌ای مذهبی در این بخش، این گروه را هم‌چون یک پدیده‌ی مذهبی و با عناصر مختلف یک پدیده‌ی مذهبی می‌نگریم. در این جا سعی می‌کنیم که به سائیل عقل‌نماها، مسک و

گروه است. مراجعان طیف گسترده‌ای از افراد را شامل می‌شوند، زن و مردانی با سنین متفاوت از نوجوانان ۱۷ - ۱۶ ساله تا پیران ۷۰ - ۶۰ ساله، ولی اکثر مراجعان را جوانان ۳۰ - ۲۰ ساله تشکیل می‌دهند. این افراد اکثراً از طبقات متوسط تا مرفه هستند ولی بعضاً از طبقات دیگر هم در میان‌شان یافت می‌شود. در میان مراجعان تیب‌هایی مثل دانشجوی، اهل مطالعات عرفانی، درویش مسلک، مذهبی، حزب‌اللهی و زنان و مردان شیک‌پوش و متفنی طبقه‌ی بالا و غیره دیده می‌شوند.

۲. فعالیت‌های گروه: فعالیت اصلی گروه تشکیل جلسات است طی آن سخنرانی «استاد» در حول مسایل عرفانی و معنوی صورت می‌گیرد و افراد با «استاد» به سؤال و جواب می‌پردازند.

ممکن است اگر «استاد» در جلسه حاضر نشود، فیلم ویدئویی سخنرانی او برای مراجعین پخش شود این فعالیت گروه و ساختار مناسبی آن بعداً تشریح می‌شود. غیر از این فعالیت، فعالیت‌های دیگری هم سازماندهی می‌شود. از جمله نشر کتاب که به‌عنوان «انتشارات تعالیم مقدس» صورت می‌گیرد. تاکنون دو کتاب را این انتشارات منتشر کرده که هر دو در چهارچوب ادیان هندی یا دارای منشاء هندی هستند.

برنامه‌های کوهنوردی هم وجود دارد که در روزهای تعطیل صورت می‌گیرد. این اکیپ کوهنوردی گرچه مستقیماً با نام این تشکیلات شکل نگرفته ولی در واقع توسط اعضای فعال گروه هدایت می‌شود. کار دیگر فروش کتاب و نوار صوتی است که در محل تشکیل جلسات انجام می‌شود. کتاب‌ها شامل دو کتاب منتشره از سوی تشکیلات و دو - سه کتاب دیگر است که آن‌ها نیز به تعالیم ادیان هند منشاء مربوط می‌شوند. نوارهای صوتی شامل موسیقی‌های آرامش‌بخش (آثار ونجلیز) و نوارهای قرآن هستند. تشکیلات، برای دایر کردن کلاس‌های آموزشی کودکان (نقاشی و...) هم اقدام کرده، ولی به‌نظر نمی‌رسد که چنین فعالیت‌هایی به‌طور جدی دنبال شوند.

زندگی متعالی»، «استاد» انسانی به روشنائی رسیده تلقی می‌شود که می‌تواند به تنویر و تعلیم دیگران بپردازد. وی دارای شخصیتی کاریزماتیک است و با لحنی آهسته سخن می‌گوید. با این که سن «استاد» همانگونه که گفته شد نسبتاً کم است (حدود ۲۳ سال) ولی آقای «ر» (شخص شماره ۲ تشکیلات) هنگام معرفی وی او را دارای قدرت معنوی معرفی کرد و گفت که او در ۱۳ سالگی به درجه‌ی استادی رسیده و از آن زمان به بعد به آموزش پرداخته است. استاد همیشه با لباس و شکل ظاهری یک‌سان به جلسه می‌آید: کت و شلوار و بلوز بی‌یقه که همگی به رنگ سیاه هستند. استفاده از لباس و آرایش یک‌سان توسط اساتید معنوی یکی از خصوصیات مشترک آنهاست. بسیاری از این اساتید است. حتا در فرهنگ اسلامی هم در میان دراویش، اساتید (یا مشایخ) این گرایش را دارند. تمامی این‌ها و آرایه‌ی سخنرانی در یک جو منسکی، جنبه‌ی کاریزماتیک وی را افزایش می‌دهد. خلاصه این‌که تمام تشکیلات قایم به وجود استاد است، زیرا تعالیم، جدای از وجود استاد به صورت یک سنت مذهبی وجود ندارد و او حامل تعالیم است.

۲. نمادها و مناسک: نمادها و مناسک در این گروه به صورتی که در یک مذهب مستقر همراه با سنت مشخص دینی وجود دارد، موجود نیست. با این حال از آنجا که هر مذهبی به زودی مناسک و نمادهای خود را شکل می‌دهد، می‌توان هسته‌ی این‌ها را در گروه مشاهده کرد. لازم به ذکر است که در این جا ما نمادهای عینی و ظاهری را مورد توجه قرار داده‌ایم.

در کتب منتشره‌ی گروه، آرم انتشارات جنبه‌ی نمادین قوی‌ای دارد. آرم یک نشان دایره‌ای است که در بالای آن کلمه‌ی «لااله الا الله» درج شده است و در پایین نوشته شده «انتشارات تعالیم مقدس». در دورتادور آرم تصویر پنج کتاب وجود دارد که در روی هر کتاب یک سمبل دینی وجود دارد:

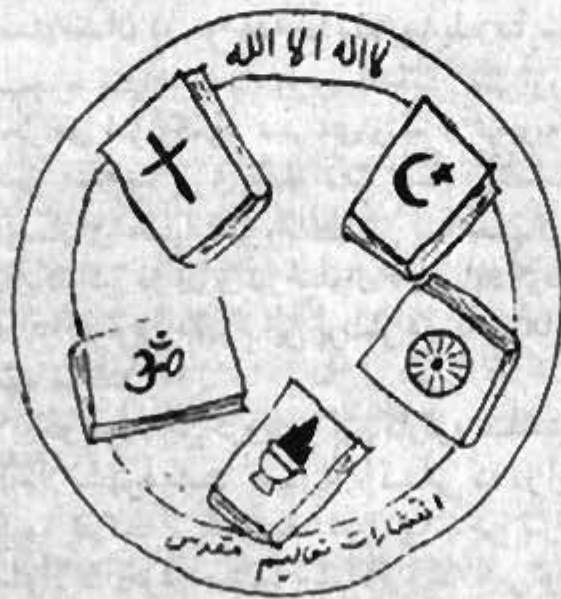
صلیب (مسیحیت)، ماه و ستاره (اسلام) چرخ (بودیسم)، مجمر آتش (مزدیسنی)، و کلمه‌ی «ام» به خط سانسکریت (هندوایسم) این آرم کپی برداری مبتدلی از آرم جنبش سایی بابا است که نشانی از وحدت ادیان می‌باشد. به این ترتیب، هم تمایلات گروه به وحدت و یک‌سانی ادیان و هم گرایش آن‌ها به جنبش هند منشاء سایی بابا مشهود است. علاوه بر این پنجره‌های آپارتمان محل تشکیل جلسات هم با پرده‌ی آبی پوشانده شده‌اند که این رنگ سمبل معنویت عرفان شمار می‌رود. آنچه بتوان مناسک این گروه نامید، سخنرانی «استاد» است که با ترتیب خاصی که دارد ساخت منسکی خود را آشکار می‌کند. ابتدا تمام حضار در سالن حاضر می‌شوند، زنان

در یک طرف و مردان در طرف دیگر روی صندلی می‌نشینند. در داخل سالن سکوت نسبی برقرار است و حداقل از هیاهو اجتناب می‌شود. با ورود «استاد» همه بر می‌خیزند با احترام مسیر او را با چشم دنبال می‌کنند تا پشت تریبون قرار بگیرد. بعد از این که «استاد» پشت تریبون قرار گرفت و نشست، همه می‌نشینند و به او خیره می‌شوند و بعد از لحظاتی «استاد» به آرامی سخن را شروع می‌کند. بعد از سخنرانی و پاسخ به چند سؤال «استاد» جلسه را ترک می‌کند و افراد او را مشایعت می‌کنند و در بیرون از سالن به دور او حلقه می‌زنند، در این زمان هم همگی به دقت به «استاد» گوش می‌دهند و او به سؤالات پاسخ می‌دهد. بقیه‌ی حضار در آپارتمان پخش می‌روند و به گفت‌وگو می‌پردازند. این وضع ادامه دارد تا زمانی که کم‌کم از حضار می‌خواهند که آپارتمان را ترک کنند. این ترتیب کما بیش همیشه به همین گونه ادامه می‌یابد.

۳. آموزه‌ها: در شناخت آموزه‌های این گروه عمدتاً بر سخنان «استاد» و بعد از آن بر متن پرسشنامه‌ی مخصوص هنرجویان (ضمیمه‌ی ۱) و کارت ویزیت (ضمیمه‌ی ۲) تکیه شده است. از آموزه‌های اساسی یک‌سانی تمام راه‌های به سوی حقیقت یا به عبارتی وحدت تمام ادیان است. «استاد» طی یک سخنرانی با تأکید گفت: «باور کنید که جز یکی راهی نیست گرچه آن راه بسیار گوناگون به نظر می‌رسد، و از ما مختلف است ولی حقیقت یکی بیش نیست، پس راه‌ها در عین بی‌نهایت بودن یکی هستند. در جای دیگری که درباره‌ی بیداری روح صحبت می‌کرد، چنین گفت:

«این بیداری روح، در فرهنگ‌ها به نام‌های مختلف نامیده شده: آزادی، رستگاری، قرب الهی، فناء فی الله که بیداری روح را مقام سرور، نیرانا، ساتوری، موکشا و... می‌گویند، این‌ها نام است.»

در این جا به توجه به حقیقتی در ورای



آرم انتشارات تعالیم مقدس

کلمات اشاره می‌کند: کلماتی که در ادیان مختلف به کار رفته همگی برای اشاره به حقیقتی واحد هستند. این گرایش در انتخاب آرم انتشارات هم مشهود است. در واقع، در این گروه تمایلاتی عرفانی تبلیغ می‌شود که در آن توجه به رهایی و رستگاری انسان و توجه به جوهره‌ی ادیان مدنظر است. تعالیم اخلاقی به معنی دستورات ظاهری و معیارهای ظاهری و عینی برای رفتار اخلاقی و مذهبی که در ادیان مختلف اختلافاتی دارند، به کنار گذاشته می‌شوند و به فصل مشترک ادیان و رستگاری معنوی یا تجربه‌ی قدسی تأکید می‌شود.

با این که در تبلیغات گروه (در آگهی‌های دیواری، کارت ویزیت و همین طور تبلیغاتی که در انتهای کتب منتشره‌ی انتشارات وابسته به گروه درج شده) از آموزش هنرهای ۳۶ گانه‌ی ماورایی صحبت شده که با عنوان هنر زندگانی متعالی از آن یاد شده است، ولی در محتوای سخنرانی‌ها اشاره‌ای به آموزش آن‌ها نشده است. این هنرها در محورهای هنر تفکر متعالی - هنر ارتباط - هنر کنترل ذهن - هنر روشن بینی - هنر عمل متعالی - هنر تأثیرگذاری - هنر پرواز روح - و هنر خلاقیت، آرایه می‌شوند که هر یک شامل هنرهای جزئی تری هستند. در این ارتباط به نظر می‌رسد که نوعی دوگانگی بین تعالیم «استاد» و تبلیغاتی که از طریق تشکیلات صورت می‌گیرد وجود دارد. شاید هم این هنرها در حقیقت آثار و ثمرات بیداری روح باشند و نه چیزهایی که باید به طور مجزا آموخته شوند.

«استاد» به نوعی فلسفه‌ی تاریخ هم اشاره می‌کند و حرکت این گروه را در جریان این فلسفه‌ی تاریخ مطرح می‌سازد. این فلسفه‌ی تاریخ مبتنی بر این است که در سیر تاریخ ابتدا تمدن باطنی در اوج بوده و در آن زمان تکنولوژی باطنی به راحتی در دسترس بوده و اشخاص مثلاً به راحتی پرواز روح می‌کردند و به پیش‌بینی می‌پرداختند، بعدها این تمدن روبه افول گذاشت و تمدن ظاهری شروع به اوج‌گیری کرد و جریان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، معنوی و شیطانی... پدید آمدند و به این ترتیب این جریان‌ها (در تمدن باطنی و تمدن ظاهری) هر یک قطعه‌ای از حقیقت را نواختند، قطعه‌ای از زیبایی یا زشتی حقیقت (البته خود حقیقت نه زشت است نه زیبا). وقتی این تمدن ظاهری هم به اوج خود برسد - در آینده‌ای نه چندان دور - این تمدن نیز افول خواهد کرد و با برخورد جریان‌های باطنی و ظاهری و پیوند آن‌ها دوره‌ی تمدن الهی پدید خواهد آمد و حقیقت در تمامیت خود متجلی می‌شود. این دوره‌ی سوم امروزه در حال شکل‌گیری است و این تحول با آزاد شدن انرژی و تنش و ویرانی همراه است. این گروه در راستای این تحول رسالت خود را ایفا می‌کند. یعنی، به رشد نیروی باطنی کمک می‌کند تا با نیروهای ظاهری پیوند بخورد. در

انتهای دوره‌ی سوم مرگ زمین خواهد آمد. در طول تاریخ در واقع چیزی در حال خود آشکاری بوده است و طریق جریان‌های مختلف خود را آشکار کرده است.

در این جا یکی از آموزه‌های اصلی گروه معنا می‌یابد و آن این‌که بیدار کردن و هدایت انسان‌ها برترین خدمت به خداوند است، چرا که این کار در جهت تحقق این فلسفه‌ی تاریخ است.

در مورد انجام تمرینات روحی مثل مدیتیشن و ذکر و تمرکز و... هیچ آموزشی ارایه نمی‌شود. در حالی‌که گفته می‌شود این تمرینات می‌تواند به انسان کمک کند ولی هیچ تکنیکی آموزش داده نمی‌شود. در واقع، فقط به کلیات پرداخته می‌شود و جزئیات عملی را به عهده‌ی خود هنرجو می‌گذارند.

«استاد» در ضمن سخن به مراجع مختلفی و از جمله به قرآن و پیامبران هم اشاره می‌کند، ولی سخنان عمدتاً مبتنی بر تجربه‌ی شهودی و بصیرت هستند و اصولاً آموزش‌ها از نوع «تلی» نیستند.

در مجموع می‌توان این گروه را گروهی عرفانی دانست که با دادن آموزش‌ها - یا مواعظی - سعی در بیدار کردن انسان‌ها دارند و با نفی جنبه‌های دنیوی مذهب، افراد را به سمت تجربه دینی سوق می‌دهند.

رهیافت از بیرون

در این قسمت ما موضوع را در زمینه‌ی اجتماعی - فرهنگی آن مورد رسیدگی قرار می‌دهیم و به ارتباطات و هم‌بستگی‌های آن با این محیط اجتماعی - فرهنگی توجه می‌کنیم. به عبارت دیگر، در این بخش موضوع را نه به صورت «در خود» بلکه به صورت «در متن» مطالعه می‌کنیم.

سؤال ما در این جا این است که این گروه



بر روی هر دو پا هم‌تراز ایستادن

(samapada)

به چه نیاز یا نیازهایی پاسخ می‌دهد و علل گرایش به آن چیست؟ و این‌که وجود آن‌را در جامعه چگونه می‌توان از منظر کارکردی تبیین کرد.

برای تحلیل در این سطح، سه محور را در نظر می‌گیریم: اول کارکرد معنادهی این گروه و آموزه‌های آن‌را مطرح می‌کنیم، سپس به جنبه‌های انتقادی و معترضانه‌ی گروه می‌پردازیم و نهایتاً به کارکرد آن به‌عنوان وسیله‌ی تفنن و وقت‌گذرانی می‌پردازیم.

البته آموزه‌ی مربوط به فلسفه‌ی تاریخ این گروه به آن رنگ و بوی یک جنبش هزاره‌ای Millennium/ را می‌دهد. (جنبش‌های هزاره‌ای عبارتند از: جنبش‌های مذهبی که رستگاری قریب‌الوقوع، همه‌جانبه، غایی، این‌جهانی و همگانی را انتظار می‌کشند.) ولی این جنبه از آموزه‌های گروه جنبه‌ای است که روی آن تأکید زیادی نمی‌شود و محور تعالیم را تشکیل نمی‌دهد و با این‌که بعضی ویژگی‌های مشترک این جنبش‌ها را مثل پیش‌بینی یک بلای نهایی که نظم موجود جهان را عوض می‌کند و وجود رهبر مأموم که با مکاشفاتی رسیدن این هزاره را نوید می‌دهد، در این جا هم وجود دارد، ولی شور و هیجان رایج در این جنبش‌ها در این جا دیده نمی‌شود. و این آموزه، آموزه‌ای نیست که گروه حول محور آن شکل گرفته باشد. لذا همین قدر به طرح این جنبه از گروه بسنده می‌کنیم و محملی برای بررسی‌های بیش‌تری در این رابطه نمی‌یابیم.

الف. معنایابی

ایجاد معنا یکی از کارکردهای مذهب است. انسان برای زندگی و تجارت روزانه‌اش به دنبال معنایی می‌گردد تا دچار بطلالت و بیهودگی نشود. «کلیفورد گیرتز» این معنایابی را مکانیزمی می‌داند که روحیات و کیفیات زندگی انسان را با جهان‌بینی او تطبیق می‌دهد. به نظر وی این معنایابی که از طریق نمادهای مذهبی - در مفهوم عام - صورت می‌گیرد نه فقط کنکاشی عقلی بلکه نیازی عاطفی نیز هست که عدم توفیق در آن بی‌قراری عمیقی را در انسان ایجاد می‌کند. به‌طور خلاصه، گیرتز معتقد است انسان در مواجهه با سه پدیده یا سه تجربه برای معنا، روی به دین می‌آورد: تجربه‌ی سردرگمی، تجربه‌ی رنج و تجربه‌ی شرم. مذهب برای سئوالات اساسی انسان دربارهی حیات و رابطه‌اش با جهان و جایگاه‌اش در آن و نیز سؤال «چه باید کرد؟» در فراگیرترین مفهوم این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی مهیا می‌کند.

در مورد این گروه نیز این کارکرد مذهب، کاملاً مشهود است. بسیاری از کسانی که در این گروه شرکت می‌کنند به دنبال پاسخی برای سئوالات خود هستند؛ سئوالاتی که می‌توان آن‌ها را در معنای عام «جهان‌بینی» قرار داد. شرایط اجتماعی هم به این جست‌وجوی معنا دامن می‌زند، اقتضائات زندگی در شهری با

ارتباطات نسبتاً گسترده و پیچیده مانند تهران همراه با جریان‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و مذهبی در تقابل با میل به کمال و معنا در انسان‌ها نوعی سردرگمی برای آن‌ها پدید آورده که بالطبع جست‌وجوی راه حلی برای این سردرگمی و اغتشاش را ایجاب می‌کند و این کار در چهارچوب یک جهان‌بینی صورت می‌گیرد که بتواند اغتشاشات را تنظیم کرده و راه‌کاری برای «زندگی متعالی» ارایه دهد.

سؤال قابل طرح در این جا این است که چرا افراد برای معنایابی به این گروه روی می‌آورند؟ پاسخ را باید تا حد زیادی در احساس عدم کفایت تعابیر مذهبی رایج برای این معنادهی یافت که توجه به تفاسیر دیگر دینی را تشویق می‌کند. ولی باید به روند مهم دیگری هم توجه کرد و آن واکنشی در برابر شرایط اجتماعی و تعابیر مستقر مذهبی است. این جنبه از موضوع ما را به مسأله‌ی واکنش انتقادی - اعتراضی به‌عنوان علت گرایش به این گروه می‌کشاند.

ب: واکنش اعتراضی - انتقادی

فرقه‌ها یا گروه‌های مذهبی با تفسیری ویژه از مذهب همواره به‌عنوان گروه‌های معترض قابل طرح هستند. البته اعتراض در این جا با مفهوم عام در نظر است که واکنش‌های منتقدانه‌ی ملایم تا کنش‌های مستقیم سیاسی را شامل می‌شود.

آی. ام. لویسیس I.M. Lewis در کتاب مذهب وجدان‌آمیز Ecstatic Religion به جنبه‌ی سیاسی مذهب وجدان‌آمیز توجه بسیار نشان داده است.

«هنر زندگی متعالی» تفسیری باطنی از دین را در برابر تفسیر ظاهری آن قرار می‌دهد. در تفسیر ظاهری دیانت برای رفتار دینی ملاک‌های ظاهری و عینی قرار داده شده است و قواعدی برای رفتار دینی وضع شده. ولی در این گروه هیچ ملاک عینی برای رفتار دینی پیشنهاد نمی‌شود. در واقع، با چشم‌پوشی از دستورالعمل دادن و قواعد ظاهری، به تجربه‌ی فردی دین و ملاک باطنی برای اخلاق تأکید می‌کنند. به این ترتیب، به انتظارات اجتماعی که تحت عنوان دین مطرح می‌شوند واکنش نشان داده می‌شود. در حقیقت در تفسیر «هنر زندگی متعالی» از دیانت، که تفسیری عرفانی است، جنبه‌های دنیوی Secular دین و اصولاً دین سکولار به کنار گذاشته می‌شود و قلمرو دین، قلمروی معنوی و باطنی قلمداد می‌شود. لذا این گروه را می‌توان به نوعی منتقد دین سکولار دانست. دینی که دین‌ورزی را هم چون قواعد زندگی دنیوی، برآوردن خواسته‌های دنیوی و نظام هنجار بخش و اعمال نظم اجتماعی معرفی می‌کند.

تفسیر غالب دین‌ورزی در جامعه‌ی ما مبتنی بر تفسیری ایدئولوژیک است که مسئولیت اجتماعی و اخلاقی را برای معتقدان تبلیغ می‌کند و این کار را تا حد زیادی

به هزینه‌ی از دست دادن جوهره یا ذات دین که تجربه‌ی امر قدسی - به تعبیر رودولف اوتو - است، انجام می‌دهد. در این حالت واکنش به این نگرش، به صورت توجه و تأکید بر تجربه‌ی امر قدسی می‌تواند صورت گیرد. تأکیدی که به نوبه‌ی خود تا حدودی به هزینه‌ی از دست دادن مسئولیت اجتماعی - در معنای الزامات عینی رفتار اجتماعی - خواهد بود. در عین حال، هم دین «ایدئولوژیک» تعبیری از تجربه‌ی دینی دارد و هم دین «عرفانی» تعبیری از مسئولیت اجتماعی؛ ولی تعبیرات آن‌ها و تأکیداتشان مسلماً متفاوت خواهد بود.

(رجوع کنید به ضمایم ۱ و ۲)، در مقابل تفسیر دین ایدئولوژیک از مسئولیت اجتماعی، بیشتر شامل قواعدی برای نظم و نسق بخشیدن به جامعه مبتنی بر تعابیر ویژه‌ی مذهبی است. پس کلاً می‌توان گفت که «هنر زندگی متعالی» هم چون غالب تعابیر عرفانی در واکنشی نقادانه به تفاسیر دیگر مذهبی که منطبق با قواعد، نظاهرات و انتظارات اجتماعی هستند، قلمرو دین را به درون شخص می‌کشد.

از جانب دیگر، می‌توان گرایش این گروه برای همضم تمام ادیان را ذکر کرد که بالتبع رویکردی روادارانه و تکثرگرا تبلیغ می‌کند و این در برابر بعضی گرایش‌ها کم‌تر روادار و حتا سخت‌گوش در جامعه است که با تعیین مرزهای مشخص، اصرار در تعیین هویتی معین برای خود، در مقابل هویت‌های دیگر دارند. این رواداری مذهبی در این گروه باعث شده افرادی که در جامعه، یا غیرمذهبی تلقی می‌شوند، و یا به راحتی تحت عنوان «مذهبی» قرار نمی‌گیرند، به عنوان فردی مذهبی با این گروه در ارتباط قرار گیرند.

این انتقادات ضمنی و واکنش نسبت به شرایط اجتماعی برای بسیاری از افراد انگیزه‌ای برای شرکت در این گروه است. افرادی که برای ابراز این انتقادات، شدت و حدت فعالان سیاسی را ندارند و حتا غالباً آگاهی استدلالی و مستقیمی از این انتقادات ندارند و صرفاً واکنشی به شرایط محیطی نشان می‌دهند. خود گروه هم نقد مستقیمی از تعابیر دیگر دینی ارایه نمی‌دهد و حتا کمابیش از این امر دوری می‌جوید و این کارکرد گروه، کارکردی ضمنی گروه است. عملاً با وجود تشکیل آزاد جلسات و حتا انتشار بعضی کتب، از تبلیغات وسیع و جنجالی پرهیز می‌شود و جلسات در آرامش و بدون جلب توجه تشکیل می‌شوند.

ج. تفنن و وقت‌گذرانی

مذهب دارای کارکردهای متعددی می‌تواند باشد. یکی از این کارکردها، ارزش مراسم و تجمعات مذهبی برای اوقات فراغت و وقت‌گذرانی و جنبه‌ی تفننی آن است که کم‌تر به آن به طور جدی پرداخته شده است. در گروه «هنر زندگی متعالی» نیز این کارکرد به خوبی دیده می‌شود و علاوه بر اهداف

صریح و به زبان آمده‌ی گروه، اهداف و انگیزه‌های جنبی و غیرصریحی مبتنی بر تفریح و تفنن هم وجود دارند که چه بسا برای بسیاری از افراد، این اهداف و انگیزه‌ها اهمیت درجه اول را دارند؛ هر چند این‌گونه عنوان نشود. شکل جلسات این گروه که محتوای اصلی و عنوان شده‌ی آن سخنرانی «استاد» است به همین سخنرانی ختم نمی‌شود و قبل و بعد از سخنرانی مراسم دیدارهای دوستانه انجام می‌شود، در این‌جا افراد مختلف (غالباً دختران و پسران جوان) که در طی جلسات با هم آشنا شده‌اند در حلقه‌هایی دور هم جمع می‌شوند و بازار گفت‌وگوهای دوستانه گرم است. صحبت‌های گرم و خنده‌های افراد، حالت یک محفل دوستانه را به جلسه می‌دهد. بی‌تردید بسیاری از این ارتباطات دوستانه به خارج از جلسه هم امتداد می‌یابد و این جلسه هم چون میعادگاه دوستان عمل می‌کند. فعالیت‌هایی مثل کوهنوردی که توسط اعضای این تشکیلات انجام می‌شود، نیز به شکل دمی شبکه‌های دوستان و تقویت آن‌ها کمک می‌کند.

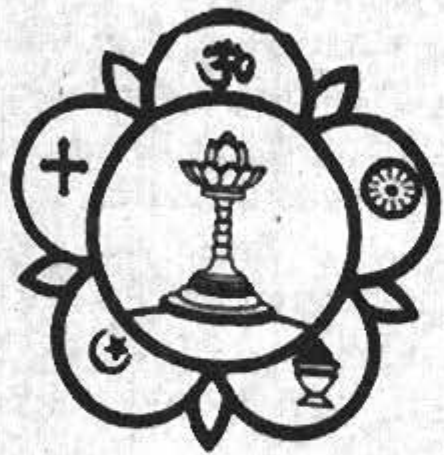
از جانب دیگر، شرکت در این جلسات برای عده‌ای امکان نوعی دینداری لوکس را مهیا می‌کند که هم برچسب «عرفانی» - به عنوان نوع عالی دینداری - را دارد و هم در آن از قیودات دینداری معمول خبری نیست.

عده‌ای هم به دنبال تب علوم باطنی و قدرت‌های ماورایی (تأثیر بر افراد، خواندن افکار، ارتباط با عالم ارواح، مانیه‌تیزم و...) که در جامعه رواج دارد، به این جلسات کشیده شده‌اند و هر چند هنوز خبری از این جور تعالیم نیست، ولی تبلیغات گروه در جلب این افراد مؤثر بوده است. تبلیغاتی که در قالب اطلاعاتی و کارت ویزیت و کتاب‌های منتشره این گروه به هنرهای ماورایی و قدرت‌های باطنی اشاره می‌کند که مسلماً بسیاری را به خود جذب می‌کند. این امر که برای بسیاری از افراد جذابیت دارد و هم چون سرگرمی مهیجی به آن می‌پردازند، می‌تواند انگیزه‌ی مراجعه به این گروه باشد.

نتیجه‌گیری

گروه «هنر زندگی متعالی» گروهی مذهبی با تمایلات عرفانی هند منشاء است که با محوریت «استاد» و با یک‌سان‌انگاری مذاهب، تعالیم خود را نه در قالب یک سنت خاص مذهبی، بلکه در قالب تعالیم عرفانی وابسته به «استاد» ارایه می‌دهد. یعنی در قالب تعبیر خاصی که «استاد» بیان می‌کند که جوهره‌ی آن «بیدار شدن» و قرار گرفتن در «جریان هدایت الهی» است.

گروه با تشکیلات ویژه اداره می‌شود که به جلسات و فعالیت‌های آنان نظم می‌دهد و فعالیت‌هایی مثل انتشار کتاب را صورت می‌دهد. با سئوالات متعددی ممکن است به



نشان وحدت ادیان - آرم جشن سالانه

سراغ این گروه رفت، سئوال‌هایی مثل مکانیسم گرویدن افراد، مبتنی بر بررسی‌های روان‌شناختی، مکانیسم شکل‌گیری سازمان‌های مذهبی، اسطوره‌سازی و بررسی رابطه‌ی اقتصاد (منابع اقتصادی و احتمالاً منافع اقتصادی) با کارکرد گروه. ولی آنچه در ابتداء توجه را جلب می‌کند، علل گرایش به این گروه و بررسی زمینه‌ی شکل‌گیری این تشکیلات در جامعه است. انگیزه‌های متفاوتی افراد را به شرکت در گروه سوق می‌دهد: بعضی به دنبال یک معنا و رضایت خاطر روحی هستند، بعضی در واکنش به تعابیر مستقر و انحصارطلب دینی و بعضی به دنبال وقت‌گذرانی، و در غالب موارد آمیزه‌ای از تمام این‌ها.

همان‌طور که دیده شده، علل گرایش به این گروه در همبستگی با چند نیاز مختلف قرار دارد، نیازهایی که می‌توانند از مجاری دیگری نیز پاسخ بگیرند، ولی آنچه به لحاظ ضرورت کارکردی اجازه‌ی پدید آمدن این گروه را با این شکل به خصوص در جامعه می‌دهد، ترکیب کردن پاسخ‌گویی به چند نیاز مختلف است. به عنوان مثال، اگر فقط پاسخ‌گویی به نیاز به معنایابی مطرح بود، ممکن بود یک محفل خیلی محدود هم این کار را انجام دهد. ولی آنچه اجازه‌ی تشکیل این گروه را با این هیأت و شکل می‌دهد، برآوردن شده کارکردهای متفاوت در یک تشکیلات واحد است که افراد مختلف با انگیزه‌های مختلفی را جذب می‌کند و در غالب موارد نیازها و انگیزه‌های متفاوت در یک فرد را در آن واحد پاسخ می‌دهد.

پی‌نوشت

این تحقیق در ۱۳۷۷، عملی شده است. منظور از ضمیمه‌ی یک، «کارت ویزیت» و ضمیمه‌ی دو، «پرسشنامه‌ی مخصوص هنرجویان» می‌باشد. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه‌ی این ضمایم، همراه با تفسیری از هر یک، و در صورت نیاز به منابع مورد استفاده، با دفتر ماهنامه تماس بگیرند. ◇